گزارش خبری

مدیرعامل جدید شرکت فولاد مبارکه اصفهان منصوب شد

با تصویب هیئت‌مدیره شرکت فولاد مبارکه و در جلسه‌ای با حضور رئیس هیئت عامل ایمیدرو، دکتر سعید زرندی به سمت مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه اصفهان منصوب و از خدمات محمدیاسر طیب‌نیا قدردانی شد. دکتر زرندی که پیش از این در مسئولیت اخیر خود به مدت سه سال سکان هدایت هلدینگ سرمایه‌گذاری صنایع شیمیایی ایران را در اصفهان برعهده داشت، دانش‌آموخته رشته مهندسی معدن دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات از دانشگاه تهران است. او دکتری خود را در رشته مدیریت دولتی گرایش توسعه از دانشگاه علامه طباطبایی دریافت کرده و هم‌اکنون عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی نیز است. از جمله سوابق اجرائی مدیرعامل جدید فولاد مبارکه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مدیرعامل هلدینگ سرمایه‌گذاری صنایع شیمیایی ایران واقع در اصفهان به مدت سه سال
- معاون طرح و برنامه وزارت صمت
- مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی و فرودگاه بین‌المللی پیام
- عضو شورای معاونین وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
- معاون سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی وزارت علوم
- رئیس سازمان صنعت و معدن و تجارت استان البرز
- مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات وزارت صنعت، معدن و تجارت
- مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان البرز
- معاون برنامه‌ریزی صندوق بازنشستگی
- مجری و مدیر طرح‌های تملک دارایی
- عضو هیئت‌مدیره شرکت شهرک‌های صنعتی استان البرز
- رئیس هیئت‌مدیره شرکت معادن زغال‌سنگ کرمان
- نایب‌رئیس هلدینگ صنایع معدنی کالسیمین تولیدکننده روی

• سعید زرندی طی دوران مدیرعاملی خود در شرکت صنایع شیمیایی ایران طرح‌های توسعه‌ای مهمی از جمله موارد زیر را آغاز کرد که در مراحل پایانی خود به سر می‌برند:

افزایش ظرفیت تولید الکیل بنزن Lab2، نیروگاه خورشیدی، طرح تولید اتلین دی آمین و طرح تولید محصول آلکیل بنزن خطی DETAL با فناوری LAB.

• حضور دکتر زرندی در سمت معاونت طرح و برنامه وزارت صمت و تجربه مدیریت بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی از جمله نقاط قوت او برای تصدی مسئولیت جدید و راهبری شرکت بزرگ فولاد مبارکه است.

• گفتنی است دکتر زرندی در ترجمه و تألیف برخی کتب از جمله موارد زیر نقش‌آفرینی کرده است؛

- نگاهی به قوانین ناظر بر تأمین مالی جمعی (به‌منظور حمایت از شرکت‌های نوآور و کارآفرین)
- فرایند سرمایه‌گذاری خطرپذیر
- انقلاب تأمین مالی جمعی (بستری برای تأمین مالی کسب‌وکارهای نوپا)
- اصول مبانی نظری ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد

دکتر سعید زرندی دو سال در مرکز گسترش فناوری اطلاعات وزارت صمت فعالیت کرد و سپس در سال ۱۳۸۴ به عنوان معاون دبیرخانه ستاد فولاد آغاز به کار کرد. سه سال بعد هم به عنوان مدیرکل دفتر آمار و فراوری داده‌های وزارت صنایع و معادن وقت منصوب شد، هم‌زمان با این سمت مسئولیت دبیر ستاد پایش تولید و سرمایه‌گذاری وزارتخانه را نیز برعهده گرفت. بعد از آن بود که با تأسیس استان البرز به عنوان اولین رئیس سازمان صنایع و معادن این استان معرفی شد و تا سال ۱۳۹۱ در این مسئولیت فعالیت کرد. در همان استان البرز بود که به عنوان مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان نیز منصوب شد. دیدگاه‌ها و پیگیری‌های او درباره «ارتباط صنعت، دانشگاه و تجاری‌سازی موضوعات فناورانه» پایش را به وزارت علوم باز کرد و در سال‌های میانی دهه ۹۰ معاون تجاری‌سازی فناوری سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران در وزارت علوم شد.

اندکی بعد و به فاصله کم، به عنوان معاون امور شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد انتخاب شد و مأموریت راهبری شرکت‌های وابسته به صندوق را پیگیری کرد. او برای دو سال در منطقه ویژه اقتصادی و فرودگاه پیام به عنوان مدیرعامل مشغول به فعالیت شد و در ادامه در سال ۱۳۹۷ به عنوان معاون طرح و برنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت منصوب شد. سعید زرندی همچنین تا سال ۱۴۰۰ به عنوان جانشین وزیر در کمیسیون اقتصادی دولت، شورای اقتصاد مقاومتی، شورای‌عالی بورس، شورای توسعه مناطق آزاد، شورای‌عالی بیمه، شورای سرمایه‌گذاری خارجی و شورای پول و اعتبار، ایفای نقش داشت.

یادداشت

هویت، تغییر سبک زندگی و وظایف مدیریت شهری

ادامه از صفحه اول

اما در میلان، مرکز اقتصاد و مد در شمال ایتالیا، شهر با «برنامه شهر ۳۰ کیلومتر در ساعت» در سال ۲۰۲۴ سرعت مجاز در خیابان‌های خود را به ۳۰ کیلومتر در ساعت کاهش داد تا عابران پیاده و دوچرخه‌سواران امنیت بیشتری داشته باشند. طرح «Strade Aperte» خیابان‌های این شهر را برای عابران و دوچرخه‌ها باز کرده و استفاده از خودروهای شخصی را کاهش داده است. بدین ترتیب می‌بینیم رویکردهای عمرانی و سازه‌محور شهرهای ما با مصرف بتن فراوان و اسما برای تسهیل عبور خودروها در شهر، دیگر ایدئال نیستند و به تنزل کیفیت زیست شهروندان و هدررفت بیت‌المال منجر می‌شوند. به هر حال در خیلی از شهرهای دنیا از جمله شهرهای کشور خودمان مانند تهران، اصفهان، شیراز، مراکز تاریخی شهرها، پیاده‌راه و میدان‌های مسدود رو به تردد سواره دارند. ایراد اصلی این است که نزد ما این فرهنگ دوستدار دوچرخه و زندگی پیاده هنوز جا نیفتاده است. عملا در خیابان‌های مرکزی‌تر شهرهایمان همه جا خودروهای پارک‌شده مغازه‌داران نیمی از فضای خیابان را تمام روز اشغال می‌کنند و ترافیک سنگین با انبوهی از خودرو و موتورسیکلت‌های فرسوده و دودزا مانع از تنفس کسانی می‌شوند که ممکن است بخواهند تردد پاک را انتخاب کنند. اما کاهش خودروها بدون داشتن جایگزین (آلترناتیو) ممکن نیست. البته کل این راهکارها و تجربیات موفق دیگران در کنار هم و در چارچوب شرایط بومی کشور خودمان می‌تواند به حل مشکلات تردد و آوردن سبک پاک حرکت و زندگی نزدیکمان کند. ما نیز خوب است الگو بگیریم.

مروری بر کتاب ژاپن چگونه ژاپن شد؟

درس آموخته‌های ژاپن

علی دینی‌ترکمانی
هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

درباره نویسنده کتاب

دکتر میرباقر مدنی، دکترای خود در رشته اقتصاد را از دانشگاه ایلی‌نوی آمریکا در سال ۱۹۶۹ اخذ کردند و به رغم چند سال تدریس در آمریکا، وقتی با دعوت حضوری ریاست وقت دانشکده اقتصاد و حقوق سیاسی «دانشگاه ملی ایران» (شهید بهشتی) در ایلی‌نوی مواجه شدند، بازگشت به میهن را بر اقامت دائمی در آنجا ترجیح دادند. به این صورت، او در سال ۱۳۴۸ در قالب عضو هیئت‌علمی این دانشکده (که بعدا به دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی تغییر نام یافت)، کار خود را با رتبه استادیاری شروع کرد و تا سال ۱۳۷۶ با مسئولیت‌شناسی کامل و شور و اشتیاق فراوان، به آموزش نسل‌های مختلف دانشجویان پرداخت و مراحل ارتقای رتبه علمی از استادیاری به استاد کاملی را بسیار زود طی کرد. با وجود این سابقه عالی، در سال ۱۳۷۶ به علت اعتراض به رویه‌های نادرست جذب دانشجو و ناراضی‌بودن چنین دانشجویان از سخت‌گیری درسی او و همین‌طور نقدهایش، درگیر پرونده‌ای شد که فرجام آن اخراج از این دانشگاه بود. بعد از شکایت به دیوان عدالت اداری و کسب رأی ابطال حکم اخراج، دیگر به دانشگاه مذکور بازنگشت و دو سال تا زمان بازنشستگی را در گروه اقتصاد دانشگاه ارومیه به تدریس پرداخت و در تأسیس مقاطع تحصیلی تکمیلی این دانشکده نقش مهمی ایفا کرد. همین‌طور بعد از بازگشت به تهران، سال‌هایی را در دانشگاه‌های مختلف به تدریس ادامه دادند. ایشان در تمام این سال‌ها در کنار تدریس، همیشه درگیر دغدغه‌های پژوهشی مختلف بوده‌اند که در قالب آثار ارزشمندی منتشر شده‌اند. آخرین مورد، کتاب «ژاپن چگونه ژاپن شد؟» است که در اینجا به اختصار به آن می‌پردازیم.

درباره کتاب

چاپ اول کتاب را انتشارات علم در پنج فصل و ۱۹۲ صفحه در اواخر سال ۱۳۹۸ منتشر کرد. چاپ چهارم نیز در آذر ۱۴۰۳ منتشر شد که نشان‌دهنده استقبال خوب از این اثر به‌ویژه در شرایط خاص کرونایی و بعد از کرونایی این سال‌هاست.

در مقدمه کتاب، تصویری مختصر از توسعه ژاپن ارائه شده و سپس چند فرضیه به شرح زیر درباره علل اساسی این موفقیت طرح شده است:

شرایط اقلیمی ژاپن،
انزوای جغرافیایی ژاپن،
اصلاحات در بخش کشاورزی،
فرهنگ و عوامل اجتماعی.

نویسنده ضمن توجه به نقش هرکدام از عوامل مذکور، اهمیت بیشتری به فرضیه چهارم می‌دهد و از آن به عنوان چراغ راهنمای فصول کتاب و جمع‌آوری داده‌ها بهره می‌برد؛ فرضیه‌ای که به فرضیه «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» ماکس وبر شباهت دارد، با این تفاوت که به‌جای آیین پروتستانیسم مد نظر وبر، بر آیین شینتو متمرکز است. در این چارچوب، در فصل اول به ویژگی‌های فرهنگی مردم ژاپن و وجوه اشتراک آن با فرهنگ اروپا، از منظر عواملی چون سخت‌کوشی و کار گروهی و انضباط سازمانی پرداخته شده است. البته در ابتدای همین فصل نکته تاریخی مهمی ذیل بحث تفکیک قوا طرح می‌شود و آن اینکه ساخت قدرت در ژاپن از سال ۱۱۸۵ میلادی، با روی کار آمدن سلسله کاماکورا، به دلیل حضور نظامیان موسوم به شوگون در رأس قدرت دوگانه شد. پادشاه از این تاریخ به بعد، قدرت مطلقه امپراتوری‌های پیشین را نمی‌توانست داشته باشد و ناچار بود با نظامیانی که دارای استقلال عمل نسبی بودند، مشورت کند. این خط سیر استدلال، با اشارات تاریخی به دوره حاکمیت سلسله توکوگاوا (۱۶۰۳- ۱۸۶۷) منتهی می‌شود که در آن اصلاحات مهمی رخ داد؛ اصلاحاتی که زمینه‌ساز انقلاب میجی شد از جمله در حوزه‌های کشاورزی (به‌ویژه تأمین حقوق مالکیت)، اداری و یکپارچه‌سازی کشور و نظام حکمرانی و همین‌طور صنایع.

در فصول دوم و سوم، جزئیات اصلاحات مختلف مذکور بحث شده است. همین‌طور ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری نوپای بعد از فئودالیسم ژاپنی و وجوه اشتراک و تفاوت آن با نظام سرمایه‌داری اروپا مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله اینکه در ژاپن منفعت‌طلبی شخصی، کمتر و کنترل دولتی قوی‌تر بوده است. بخشی از فصل سوم، به طور مفصل، به رابطه ژاپن با غرب اختصاص دارد که اولین مواجهه آن به سال ۱۵۴۹ بازمی‌گردد؛ زمانی که مسیونرهای دستگاه کلیسا در ژاپن شروع به تبلیغ آیین مسیحیت کردند. این نوعی رابطه با اروپا بود که تا سال ۱۶۳۰ ادامه داشت و در این مدت به گفته کتاب، ۲۰۰ کلیسا تأسیس شد. از سال ۱۶۳۰، دوره انزوا شروع شد و تا سال ۱۸۵۴ ادامه یافت؛ دوره‌ای که کلیساهای تأسیس‌شده، تعطیل و مسیونرهای مسیحی اخراج شدند. در سال ۱۸۵۴، دریاسالار پری آمریکایی با ناوگانش به ژاپن حمله و این کشور را وادار به تسلیم کرد که نتیجه آن خروج از انزوا بود. در این دوره زمانی، ژاپن به ناچار وارد تعامل با غرب شد که مصادف با ظهور امپراتور میجی در سال ۱۸۶۸ است. صفحاتی از فصل سوم کتاب به اهمیت انقلاب میجی و نقش روشنفکران ژاپنی در پیشبرد این انقلاب پرداخته است.

فصل چهارم به تعمیق اصلاحات در حوزه‌های اقتصادی کشاورزی و صنعتی و اداری و آموزشی و فرهنگی، از این دوره تاریخی تا دوره متأخر اختصاص دارد. از جمله نکات قابل توجه این فصل، تأکید کتاب بر رعایت توازن میان بخش خصوصی و دولتی است. دولت از طریق سیاست‌های حمایتی در جاهایی که لازم بوده از تولید داخلی حمایت و در جاهایی هم که ضرورتی نداشته، مداخله نکرده است. همین‌طور نشان می‌دهد که دولت ژاپن در چارچوب سیاست صنعتی مداخله‌گرایانه صحیحی، الگوی بنگاه‌داری خاصی را شکل داده که در آن بنگاه‌های بزرگ‌مقیاس نقش محوری دارند؛ در عین حال که بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز جایگاه خود را دارند.

در نهایت، فصل پنجم به مقایسه تطبیقی ایران و ژاپن می‌پردازد و سعی می‌کند پاسخ این پرسش را بدهد که چرا به رغم ظهور اصلاحات مشابه دوره میجی در ایران در دوره امیرکبیر، ایران نتوانست موفقیت ژاپن را کسب کند؟ پاسخ کتاب پیرامون سه محور اصلی می‌چرخد: اول، ژاپن از دیرباز دارای ساخت قدرت متوازنی میان پادشاه و شوگون بوده است. دوم، به علت ویژگی‌های خاص آیین دینی رایج در ژاپن (شینتو) فرهنگ اجتماعی این کشور در مجموع با توسعه سازگارتر بوده است. حتی آیین کنفوسیوس که از چین وارد ژاپن شده با طبیعت‌گرایی ژاپنی‌ها تطبیق پیدا کرد و به اصطلاح، بومی این کشور شد. سوم، ژاپنی‌ها به رغم تحمل ضربه‌هایی جدی و سنگین از غرب، در موقعیت‌های تاریخی مختلف (چه در سال ۱۸۵۴ و داستان دریاسالار پری و چه در جنگ جهانی دوم و داستان بمباران اتمی فاجعه‌بار ناکازاکی و هیروشیما)، با غرب از سر خصم رفتار نکردند. برعکس، با آنها مدارا کردند و سعی کردند با یادگیری دانش علمی و فنی آنها، تکنولوژی پیشرفته در زمان را به کشورشان منتقل کنند. در نتیجه به این علت توانستند موفق شوند. بومی‌سازی در ژاپن به معنای قطع ارتباط با دنیای غرب و خلق فناوری از نقطه صفر نبود، بلکه به معنای استفاده از توانمندی‌های خلق‌شده غرب و تطبیق آن با شرایط داخلی بود. این موجب شد ژاپن مسیر طی‌شده بلندمدت غرب را در فاصله زمانی کوتاهی طی کند و فاصله تکنولوژیک خود با مرکز تحولات فناورانه جهان را کاهش دهد.

نقد کتاب

کتاب از منظر روایت تاریخی ساده، شیرین و قابل فهم عمومی و همین‌طور از منظر ارائه شواهد تاریخی و آماری مختلف، اثری ارزشمند است؛ نکته‌ای که برخی از خوانندگان کتاب آن را بازتاب داده‌اند و در سایت طاقچه درج شده است. با وجود این نکته و موفقیت نسبی کتاب برحسب شاخص میزان استقبال، به‌ویژه در موقعی که جهان در کرونا قرار داشته، سه نکته را می‌توان در مقام نقد مطرح کرد:

اول، به نظر می‌رسد که تناقضی در فرضیه‌سازی کتاب وجود دارد. از سویی به پدیده مهمی به نام دوگانه‌شدن ساخت قدرت (پادشاه - شوگون)، به عنوان نقطه عطفی مهم و سرنوشت‌ساز توجه دارد و از سوی دیگر عامل فرهنگی را به عنوان علت اولیه تحولات ژاپن برجسته می‌کند. به بیانی دیگر، از سویی به عامل سیاست توجه جدی دارد و از سوی دیگر به عامل فرهنگ. با فرض اینکه آنچه کتاب درباره قرن دوازدهم ذکر می‌کند صحت تاریخی داشته باشد و دراین‌باره تردیدی روا نباشد، می‌توان گفت که پس این توازن قدرت سیاسی، عامل مهمی در توضیح تحولات توسعه ژاپن است؛ عاملی که مطابق شواهد ارائه‌شده در کتاب، ردپاهای آن تا دوره میجی و بعد از آن پابرجا بوده است. اگر این برداشت مورد تأیید باشد، نتیجه چنین می‌شود که تأکید کتاب بر عامل فرهنگ با چنین جایگاهی که بر دوگانه‌شدن قدرت قائل است، در تناقض است.

دوم، اگر عامل سیاسی مذکور به عنوان عامل مهمی در تحولات بلندمدت تاریخی ژاپن نقش داشته باشد که کتاب فرض را بر این می‌گذارد، آنگاه ظهور این عامل نیاز به تبیین دارد. این ظهور آیا ناشی از رویداد تصادفی بوده (مانند آنچه کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» درباره توازن قدرت میان پادشاه و پارلمان در بریتانیای کبیر ذکر می‌کند) یا ناشی از عاملی دیگر؟ در تبیین انتظار می‌رود که هر معلولی با علت زیرین‌تری توضیح داده شود. اگر آن رویداد به حساب تصادف در بزنگاه تاریخی گذاشته شود، نیازی به تبیین نیست. به بیانی دیگر، تبیین باز می‌ماند. اما اگر تصادفی نباشد، طبعا ضروری است که با عامل زیرین‌تری علت وقوع آن بیان شود. ممکن است دکتر مدنی بر این نظر باشد که این دوگانه‌شدن قدرت خود ریشه در عامل فرهنگی دارد که بر آن تأکید می‌کند. اگر چنین است، طبعا تحلیل باید به گذشته دورتری از تاریخ قرن دوازدهم بازگردد و ریشه‌های فرهنگی دوگانه‌شدن ساختار قدرت را برمبنای عامل فرهنگ جست‌وجو کند و در اختیار بگذارد.

سوم، در چارچوب این نقد روش‌شناختی، نقد دیگری را نیز می‌توان طرح کرد: هرچند کتاب اصول روش تحقیق خود را دارد، اما به گمان من دقیقا مشخص نیست که با کدام روش تحقیق در پی نشان‌دادن صحت فرضیه مورد نظر خود است. همین موجب می‌شود داده‌ها و مباحث ذی‌ربط با آنها تا حدی به صورت نامنسجم در فصول مختلف کتاب جمع‌آوری و ارائه شوند. به عبارت دیگر، فرض کتاب از ابتدا بر صحت فرضیه مورد نظر خود است. بنابراین، چارچوب مطالعه به نحوی سامان نیافته که عوامل مختلف، برای مثال به روش‌های کیفی تاریخی تطبیقی، در کنار هم قرار بگیرند و معناداری برخی رد و معناداری برخی تأیید شوند. البته از آنجا که کتاب معمولا ساختار روش تحقیقی مقاله علمی را ندارد، شاید این نقد چندان موجه به نظر نرسد، ولی طبعا هرچه این موازین در تألیف کتاب رعایت شود، تجزیه و تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌ها قوت بیشتری پیدا می‌کند.

جمع‌بندی

در هر حال، به رغم این نکات، کتاب حاصل سال‌های طولانی از اندیشه‌ورزی دکتر مدنی درباره علل تفاوت‌های مهم در عملکردهای اقتصادی و فناورانه بیناکشوری و همین‌طور چند سال تحقیق خاص درباره تحولات توسعه‌ای ژاپن است. به‌ویژه اینکه برای تألیف این اثر، او به مدت دو سال، با بورسیه دولت ژاپن در این کشور ساکن شد تا الگوهای رفتاری مردم، رویه‌های نظام حکمرانی و همین‌طور ساختار اقتصاد و نظام بنگاه‌داری این کشور را تا جایی که ممکن است، از نزدیک ببیند و تجربه کند. بنابراین فارغ از نقدهای مذکور، در مجموع کتاب می‌تواند به عنوان اثر تاریخی اقتصادی که روایت خاص خود را دارد، برای علاقه‌مندان به فهم و درک ریشه‌های تاریخی تحولات توسعه‌ای ژاپن جالب توجه و خواندنی باشد.

ژاپن چگونه ژاپن شد؟
امیرباقر مدنی
ناشر: تمدن علمی
سال چاپ: ۱۴۰۳
نوبت چاپ: ۴

نمایشگاه پیشرفت، نمایشگاه پس‌رفت

ادامه از صفحه اول

آنچه مغرب زمین انجام داده همین بوده و کاروان این کار به‌سرعت هم‌اکنون در غرب و نیز شرق عالم در جریان است، اما طبیعی است در کنار آن همچون سایر جوامع در طول تاریخ اعم از کشورهای مسلمان‌نشین یا مسیحی‌نشین یا بودایی یا هر مسلک دیگر اعوجاجات اخلاقی و عناصر ظلم و ستم وجود داشته است. حتما تصدیق می‌کنید که پس از رحلت رسول خدا(ص) در همان جامعه مسلمان و شاید بلاواسطه وصل به پیامبر خدا(ص) چه فساد اخلاقی و چه جنایات سهمگینی توسط حاکمان ظاهرا مسلمان به وقوع پیوست. پس آنچه اعوجاجات در مغرب زمین است نه مربوط به این زمان، نه مربوط به توسعه و پیشرفت و نه مربوط به فناوری و علم است.

در طول تاریخ همواره کلمات مقدس دستاویزی برای اعمال نظرات خاص بوده است و اینکه در جمله‌ای کلمه اسلام یا قرآن یا پیامبر یا خدا به کار رفته باشد، لزوما نمی‌تواند حاوی بیان حقیقت و دستیابی به تعریف صحیح باشد و اینک به نظر می‌رسد تکیه بر «پیشرفت اسلامی» توسط برخی افراد برای نفی واقعیت رشد جوامع دیگر و سرپوش‌گذاشتن بر ناتوانی تفکر و عدم فعل و نارسایی اندیشه باشد.

اگر می‌گوییم پیشرفت اسلامی باید بگوییم از بیان آنچه اراده‌ای داریم و تصویر عینی جامعه پیشرفته اسلامی را نشان دهیم و فقط به جملات زیبا و کلی بسنده نکنیم.

ما معنی توسعه را چنین می‌فهمیم: اگر خودروها برقی شد، اگر خانه‌های ما ضدزلزله شد، اگر سقوط محیط زیستمان متوقف شد، اگر کشاورزی ما علمی و با راندمان بیشتر شد، اگر سرعت قطارهای ما به‌جای ۸۰ کیلومتر در ساعت به ۴۵۰ کیلومتر در ساعت رسید، اگر فاضلاب‌ها را سامان دادیم، اگر آلودگی هوا را از بین بردیم، اگر رانت‌خواری را کاهش دادیم، اگر فاصله طبقاتی را کم کردیم، اگر عدالت را جاری کردیم، اگر دانشگاه‌های ما عالمان فرهیخته تربیت کردند، اگر حقوق یکدیگر را رعایت کردیم و بسیاری دیگر از امور، این هم توسعه و هم پیشرفت است. آنچه هم که در نمایشگاه‌های ابداع و پیشرفت که به نظر مقام معظم رهبری رسیده و بحق مورد عنایت و تشویق قرار گرفته و همه ملت باید قدردان این مبتکران و نخبگان باشند، معمولا یا با مهندسی معکوس یا گرته‌برداری یا تکمیل نمونه‌های غربی است و البته نمونه‌های ابداع و اختراع هم در میان آنها دیده شده است و رهبری این تلاش‌ها و عملیات‌ها را دلیل پیشرفت ایران دانسته‌اند. پس آنچه مجهول است و بیشتر به بازی با کلمات شبیه است و به‌هیچ‌وجه شفافیت ندارد و پشت آن اندیشه، کمال نیست، همین عباراتی است که به قول مرحوم عسگر اولادی اسلام‌مالی شده است و از قول «مردمی» بیان شده که روحشان از آن خبر ندارد.

اگر مقصود از پیشرفت اسلامی، پیاده‌سازی ارزش‌های والای اسلامی در جامعه در عین استفاده از دستاوردهای علمی و فنی انسانی جهان باشد که اختلافی نیست و تازگی هم ندارد، بلکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌صراحت از آن یاد شده است. اما اگر دستاوردهای علمی و فناوری جهانی نفی شود و به‌جای قطار، کالسکه اسبی، به‌جای خودرو چهارپایان، به‌جای برق چراغ روغنی‌سوز، به‌جای تجهیزات پزشکی، ورد و انبردست و سیخ و به‌جای خانه محکم و ضدزلزله خانه گلین مورد نظر باشد درحالی‌که گوینده از همان مظاهر و دستاوردهای غربی استفاده می‌کند، آن وقت است که باید به کرام‌الکاتبین پناه برد. هرچند پناه ما همواره و همیشه حضرت حق، کرام‌الکاتبین است.

گزارش

۱۰ پیشنهاد بخش خصوصی به وزیر کار برای دستمزد ۱۴۰۴

رئیس اتاق بازرگانی تهران طی نامه‌ای به وزیر کار بر ضرورت اصلاح فرایند تعیین حداقل دستمزد با هدف بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی جامعه کارگری کشور تأکید کرد. به گزارش مهر، محمود نجفی‌عرب، رئیس اتاق بازرگانی تهران، در نامه‌ای به احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، عنوان کرد روند فعلی تعیین حداقل دستمزد با توجه به روند شاخص‌های کلان اقتصاد از جمله تورم، پاسخ‌گوی نیازهای حداقلی جامعه کارگری نیست و در بلندمدت آسیب‌های جدی به بخش تولید کشور وارد خواهد کرد. او در نامه خود تأکید کرد جامعه کارفرمایی کشور و اتاق بازرگانی تهران پیشنهاداتی برای اصلاح روند تعیین حداقل دستمزد ارائه کرده که از جمله آن امکان تعدیل دستمزدها در فواصل شش‌ماهه براساس نرخ تورم است. رئیس اتاق تهران همچنین با اشاره به اینکه در حال حاضر نرخ حداقل دستمزد به صورت ملی تعیین می‌شود، عنوان کرد می‌توان ردیف «حق مسکن» را با توجه به شرایط منطقه‌ای و براساس اطلاعات موجود مربوط به شرایط مسکن در استان‌های مختلف تعیین کرد. نجفی‌عرب همچنین از ضرورت بازنگری در شاخص برآورد هزینه معیشت خانوار با هدف اجماع‌نظر در اقلام سبد معیشت برآوردشده از سوی دولت و نماینده تشکل‌های کارگری نوشت و برنامه‌ریزی برای تقویت زیرساخت آمار و اطلاعات منطقه‌ای و صنایع، تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی و طرح‌های آمایش سرزمین را برای اصلاحات درست فرایند تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای ضروری برشمرد. در این راستا براساس اقدام شایسته تقدیر آن مجموعه در مورد بهره‌گیری از نظرات و پیشنهادات خبرگانی برای بهبود شیوه‌های تعیین حداقل مزد، موضوع فوق‌الذکر در اتاق تهران مورد بحث و کارشناسی قرار گرفته و پیشنهاداتی به شرح ذیل تقدیم می‌شود:

۱- اصلاح و بازنگری در قانون کار به عنوان یک اقدام بلندمدت از مسیرهای زیر:

-بازگرداندن نقش حمایتی دولت در زمینه تأمین مسکن و بهداشت و سلامت مناسب ضمن کاهش بار کارفرما

-تعریف سایر معیارهای پیشنهادی سازمان بین‌المللی کار علاوه‌بر معیارهای دوگانه موجود در قانون کار ایران

-ایجاد امکان قانونی اعمال تعدیل‌های مقطعی دستمزد در فواصل شش‌ماهه حسب روند تورم

-تعریف معیارهای جدید برای ایجاد امکان به‌کارگیری روش تعیین دستمزد منطقه‌ای.

۲- برخی اقدامات و اصلاحات کوتاه‌مدت نیز به شرح زیر می‌تواند به بهبود شیوه‌های تعیین حداقل دستمزد کمک کند:

-طراحی بسته‌های حمایتی هدفمندی از سوی دولت برای حداقل‌بگیران

-امکان‌سنجی اعمال وضع حق بیمه بر عدد پایه حقوق به‌جای حداقل دستمزد

-الزام به‌کارگیری طرح طبقه‌بندی مشاغل برای محاسبه دستمزد براساس مهارت و ضریب شغلی در بنگاه‌های خرد

-تعیین دستمزدها به صورت ملی و در کنار آن تعدیل ردیف «حق مسکن» براساس ویژگی‌های خاص مناطق با استفاده از اطلاعات مربوط به حوزه مسکن در استان‌های مختلف

-بازنگری در شاخص برآورد هزینه معیشت خانوار با هدف اجماع‌نظر در اقلام سبد معیشت برآوردشده از سوی دولت و نماینده تشکل‌های کارگری

-اصلاح روند فعلی لحاظ تورم سال جاری در تعیین حداقل دستمزد در کنار توجه به پیش‌بینی این شاخص در سال آینده با توجه به روند بی‌ثباتی و نوسانات متعدد پیشرو در برهه فعلی و استفاده از ظرفیت حضور وزیر محترم اقتصاد در جلسات چانه‌زنی در راستای ایجاد ضمانت اجرائی و ظرفیت پاسخ‌گویی در قبال تورم آتی.

«برنامه‌ریزی جهت تقویت زیرساخت آمار و اطلاعات منطق‌های و صنایع»، تدوین «سند استراتژی توسعه صنعتی» و «طرح‌های آمایش سرزمین» نیز از الزامات به‌کارگیری روش‌های تعیین دستمزد منطقه‌ای و صنایع می‌باشد که لازم است در اولویت‌های کاری دولت برای فراهم‌کردن زمینه بهره‌گیری از سایر روش‌های تعیین دستمزد در سال‌های آتی قرار گیرد.